



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۶ ■ ۹ بهمن ۱۳۹۹

نوجوان

عکس: محمد سرمدی



زهرا قربانی

گفت و گو با سردبیر برنامه تلویزیونی هشتادیا، که این روزها از شبکه ۳ سیما پخش می شود

یک صندلی داغ برای هشتادیا



چرا توی برنامه دهه هشتادیا بچه ها با خانواده هاشون حضور پیدا می کنن؟

اول قرار نبود بچه ها با خانواده هاشون در برنامه حضور داشته باشن، یا اصلاً قرار نبود دهه هشتادی ها پای ثابت این برنامه باشن. قرارمون این بود که دو یا سه کارشناس مهمان برنامه باشن و فقط در این مورد صحبت بشه اما هر چه رفتیم جلوتر به این طراحی رسیدیم که ما باید یک نوجوان دهه هشتادی داشته باشیم و باید حتماً یک صندلی برای یک نوجوان دهه هشتادی باشه، و کم کم به این نتیجه رسیدیم که خانواده هم باید نزدیک بشه و همذات پنداری کنه. چون بعد از ضبط، من با خانواده ها ارتباط داشتم و خیلی راضی بودن از این گفت و گو، و می گفتند ما از این زاویه هیچ وقت نگاه نکرده بودیم به این قضیه. یکی از اتفاقات خوبی که برای من افتاد این بود که دوتا پروژه پشت سر هم باید انجام می دادم به سفارش معاونت ریاست جمهوری با ساخت ۵ انیمیشن با موضوع گفت و گو در خانواده و نکته جالب اینجاست که در مسیر این پروژه و پروژه برنامه هشتادیا خیلی به من کمک کرد که یاد بگیرم با خانواده ام یا با همسرم گفت و گو کنم و این برای من خیلی اتفاق بزرگی بود و مطمئنم برای این برنامه اتفاقات خوبی رقم می خوره.

تفاوت برنامه دهه هشتادیا با بقیه برنامه هایی که در حوزه نوجوان ساخته شده چیه؟

ما شبکه ای داریم به نام شبکه امید که داره تلاش می کنه برای نوجوان و درباره نوجوان تولید محتوا کنه که از همین جاهم خد ا قوت میگم به تیم شبکه امید، به اتفاقی که توی برنامه هشتادیا افتاده اینه که نوجوانا هم در تیم تولید محتوا و هم در اجرا فعالیت همراه تیم هستن. ما از بچه ها ایده می گیریم. در کل میخوام بگم این برنامه فقط اسمش هشتادیا نیست بلکه روح حاکم بر این برنامه هم از جنس دهه هشتادیا س. چون می بینیم دستیار تدوین به دهه هشتادیه، ایتم های پژوهشی رو هم چنتا دهه هشتادی تولید می کنن. حتی مدیر

«ما دهه هشتادیا رو نمی شناسیم و نمی دونیم که نمی شناسیم.» این مهم ترین جمله سردبیر برنامه «هشتادیا» بود که اتفاقاً شعار برنامه هم هست. به قول آدم بزرگا چهل مرکبی که باعث ایجاد اختلاف نظرهای عمیق و به تبع اون، تربیت نادرست نسل آینده می شه و به قول میثم شوقی باید برای این فاصله ای که بین پدر و مادر ها و بچه ها افتاده، نگران بود.

فاصله ای که بهترین راه حلش گفتگوئه و برنامه هشتادیا به مخاطب یاد میده که میشه کنار هم نشست و باهم سر مسائلی که اصلاً هم شوخی بردار نیست، مسالمت آمیز حرف زد.

البته شما اصلاً توقع نداشته باشید والدین گرامی رو قانع کنید! گفت و گوی ما با میثم شوقی را بخونید:

چرا دهه هشتادیا؟

من تقریباً ۱۰ سالیه همیشه با دهه هشتادیا کار می کنم. هر چقدر کنارشون باشم بیشتر ازشون یاد می گیرم و همین باعث میشه بیشتر و دقیق تر ببینم. مثل یک فلش بک به نوجوانی خودم هدایت می کنم و بر می گردم رو به جلو، انگار که وارد دنیای جدیدی میشی و باهاشون زندگی می کنی، آزمون و خطا می کنی و بعد دوباره وارد دنیای خودت میشی، وقتی توو مسیری قدم میذاری که زندگی با دهه هشتادیا س اون کوله ای که پشتت میبندی، توو مسیر از المان های دهه هشتادیا پر میشه و بعد باهمون کوله بار زندگی دهه هشتادیا دوباره وارد زندگی واقعی خودت میشه و قراره از این ابزارها که کوله ات رو پر کرده استفاده کنی. حالا ما با این موجودات به نام دهه هشتادیا مواجه هستیم که خیلی چیزا ازشون یاد گرفتم.

حرف اصلی برنامه دهه هشتادیا چیه؟

یه مورد کلیشه ای وجود داره که صرفاً پدر و مادرها با هم تلاش کنند که برنامه رو ببینند. من اوایل این موارد رو می پذیرفتم و با این فرمول می رفتم جلو اما هر چقدر که وارد برنامه شدیم از این کلیشه ها دور شدیم این که ما چه پیامی رو باید به مخاطب بدیم. به نظرم برنامه هشتادیا به اتفاق جدید توو مسیر شناخته، یعنی اگر ما شناخت رو به مسیر ببینیم توو این مسیر به اتفاق جدی قراره رخ بده. این برنامه به شروع جدیده برای شناخت دهه هشتادیاست که توو فصل اول و

توو گام اول ما در نقطه مبدا ایستادیم و در قسمت هایی که می سازیم داریم یواش یواش این کوله رو پر می کنیم و این که مقصد کجاست و دقیقاً کی و کجا بهش می رسیم این واقعا چیزیه که نمی تونم الان جواب مشخص بدم.

از ویژگی هایی بگین که در مورد دهه هشتادی ها کشف کردید و براتون جالب بوده.

به نظرم تنهایی بودنشونه، در یک دنیای شلوغ زندگی می کنن و دارن تلاش می کنن از این تنها فاصله بگیرند و مدام می خوان تنهایی بودنشون رو نشون ندن ولی تنهان. بذارد یک مثال بزنم؛ دغدغه ما یعنی دهه شصتیا، یا دهه پنجاهیا کوچیک بود اما دغدغه این نسل بزرگ شده چون ما تو زمان حال زندگی می کردیم اما این نسل تو آینده زندگی می کنه و همین باعث می شه تنها بمونه. طبق نظریه تئوری انیشتین دو برادر دو قلو که یکی در کره زمین زندگی می کنه و دیگری در کره مریخ، بعد از مدت ها برادری که در کره مریخ زندگی می کرده وقتی بر می گرده خیلی جوون تره، چون در زمین یک روز ۲۴ ساعته و یک سال هم ۳۶۵ روز ولی در سیارات دیگه به این شکل نیست، این مثال رو زدم که بگم سیاره ها یعنی دهه شصتی ها و پنجاهی ها در گذر زمان با دهه هشتادی ها خیلی متفاوتن. زمان در ذهن ما تعریفش به چیز دیگه است ممکنه یک دقیقه خیلی برای من مهم باشه یا ممکنه برای شما یک ثانیه مهم باشه. پس گذر زمان در سیاره این نسل خیلی متفاوته، می خوام بگم زمان تو سیاره دهه هشتادی ها خیلی متفاوته.